

گره‌گشایی مسأله وحدت، اتحاد و انسجام نیروهای

دموکرات و ترقیخواه افغانستان

در این برهه تاریخ جنبش دموکراتیک و ترقیخواه جامعه افغانی که فرآیند " ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان"، دارد شکل میگیرد و از اثر مساعی مشترک تعدادی از نهادهای ترقیخواه و عدالت پسند افغانی، از جمله "نهضت آینده افغانستان"، روزنه تازه برای شکل نیروهای دموکرات، تحول طلب و ترقیخواه جامعه افغانی در یک نهاد بزرگ سراسری ملی، گشوده شده است، مفید به نظر میرسد تا در این جستار، به گره‌گشایی برخی نکاتی مرتبط به این روند مختصراً پردازیم.

مبنی بر تحلیلها و توضیحاتی که از سوی نهادهای مترقی و کارشناسان امور سیاسی، در مورد وضعیت سیاسی کشور ارایه گردیده است، استنباط و درک میگردد که: در شرایط کنونی، حاکمیت و اپوزیسیون فعال هر دو در اختیار ارتجاع عقبگرا و حامیان آنها قرار دارند، نیروهای ترقیخواه و تحول طلب به حیث یک نیروی متشکل و اثرگذار بالفعل در وضعیت سیاسی کشور حضور نداشته در حالت پراکنده گی و اشتقاق به سر میبرند و در حاشیه کشیده شده اند، حاکمان فاسد کشور که یک سره در خدمت نیروهای خارجی قرار دارند، در تلاش اند تا به هدف حفظ و تداوم قدرت خویش با استفاده از تمام امکانات، ورود نیروهای دموکرات واقعی، ترقیخواهان و تحول طلبان را به پهنه های فعال زنده کی سیاسی - اجتماعی کشور مانع شوند و به حیات ننگین خود ادامه دهند. هرازگاهی که قدرت، توانایی و ظرفیت " حاکمیت جهادی - مافیایی" و شبکه های مرتبط به آن به انحطاط و فرود آمدن میرود، حامیان جهانی این نظام (امریکا - ناتو) با باز نمودن پروژه های جدید و تزریق ملیونها دالر به آنها جان تازه میبخشند. بحران عمیق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی توأم با غضب "قدرت دولتی" از سوی شبکه های " جهادی - مافیایی" از یک سو و عدم حضور نیروهای ترقیخواه، تحول طلب و صلحجو در وضعیت سیاسی، از سوی دیگر، وضعی را بوجود آورده و باعث گردیده است که "عرصه سیاسی از درونمایه ذاتی خود به حیث فعالیت اجتماعی که منافع طبقات، اقشار و گروه های مختلف اجتماعی را متبلور می سازد، تهی گردیده" و شکل "بازار مکاره مالی" را اختیار کند.

بناء در چنین وضعی، متشکل ساختن نیروهای، دموکرات، ترقیخواه، تحول طلب و چپ افغانستان، در یک نهاد بزرگ سیاسی ملی و مستقل، **به منظور حضور یابی در عرصه سیاست و ایجاد یک الترناتیف دموکراتیک مردمی**، مقدم ترین وظیفه ایست که در برابر تمام نیروهای دموکرات، ترقیخواه، چپ، تحول طلب و پیشرو جامعه افغانی قرار گرفته است. تحولات جدید اخیر؛ در راستای انسجام دوباره نیروهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان و به کارگیری مداوم واژه های **وحدت، اتحاد و ائتلاف**، توسط احزاب، سازمانها و نهادهای سیاسی - اجتماعی دموکراتیک ترقیخواه و فعالین آنها، تدویر گردهماییها و تلاش در جهت راه اندازی مباحثات بین نیروهای دموکرات، چپ و مترقی به منظور دستیابی به راه اندازی **عمل مشترک سیاسی**، صدور قطعنامه ها، اعلامیه های سیاسی، اطلاعیه ها و فراخوانهای متعدد در رابطه به امر وحدت، اتحاد، ایجاد ائتلافها، همسویی و اوجگیری همگرایی در حرکت های دموکراتیک و مترقی، خود حاکی از **عینیت** این نیاز مبرم است.

آنچه روشن است این که در وضعیت جاری، **بخشهای قابل ملاحظه ای** از فعالین جنبش دموکراتیک، چپ و ترقیخواه کشور نیازمندی و اولویتهای جنبش عمومی و دموکراتیک جامعه افغانی را میدانند و هم **وحدت، اتحاد، یک پارچه گی، همسویی و همگرایی** نیروهای دموکراتیک و ترقیخواه را در پهنه های اندیشه یی - سیاسی و سازمانی و **اتحاد عمل مشترک** درک نموده اند و به این نتیجه دست یافته اند که به تنهایی قادر به تأمین و تحقق اهداف مورد نظر شان نیستند

تجربه بیست سال اخیر نشان داد که هیچ حزب و سازمانی، صرف نظر از اینکه عامل کدام گرایش اند، نتوانست به منزلت محور و به حیث گرایش مسلط در جنبش عرض اندام کند. تعدد سازمانها و تنوع گرایشها و موضع گیریهای متعدد و تجربه رفتن به زیر سایه شخصیت های متبارز دیروز جنبش که در میان نیستند و یا عناصر باز نشسته امروزین آن، رهروان جنبش را به فهم بی تاثیر بودن این نهادها و نا کارا بودن آن عناصر، در امر انسجام، و تشکل نیروهای دموکرات و ترقیخواه کشور یاری رساند، و موضوع ایجاد یک نهاد سیاسی سراسری را به حیث وظیفه نخست در پیشا پیش جنبش قرار داد.

امروز تاریخ جامعه ما، دو مسأله اساسی را **بحیث وظایف مبرم**، در برابر جنبش دموکراتیک و ترقیخواه جامعه افغانی قرار داده است:

۱- تشکل نیروهای ترقیخواه در یک حزب واحد بزرگ، ۲- تأمین اتحاد سیاسی (ائتلاف سیاسی) برای عمل مشترک.

هر دو مسأله فوق در واقع اجزای بهم آمیخته یک فرآیند اند، نمیتوان آنها را جدا از یک دیگر به انجام رسانید

به پندار ما، هر دو مسأله هم وحدت اصولی نیروهای دموکراتیک و ترقیخواه افغانی (ساختن یک حزب دموکراتیک ترقیخواه بزرگ، متشکل، منسجم و پایدار) و هم مسأله تکوین اتحادها، جبهه ها و ائتلافها سیاسی در جنبش عمومی دموکراتیک کشور، به منظور ایجاد یک نهاد گسترده فراگیر سیاسی متعلق بمردم افغانستان مطرح است، نمیتوان هیچ کدام آنرا به کنار گذاشت و یا به تأخیر انداخت.

از دید ما، اساسی ترین وظیفه نیروهای دموکراتیک، چپ و ترقیخواه افغانی، تأمین وحدت و یا اتحاد نیروهای دموکراتیک و ترقیخواه واقعی و چپ، در یک نهاد سیاسی واحد، سراسری و مستقل به خاطر داخل شدن در وضعیت سیاسی کشور است. به همین لحاظ سازمان ما، با در نظر داشت ویژه گیهای ماهوی جنبش عمومی دموکراتیک کشور، کار در راستای تأمین وحدت و اتحاد نیروهای دموکرات، ترقیخواه و چپ افغانی را به منزلت اساسی ترین شعار روز، در سر خط وظایف خویش قرار داده است.

وحدت به مفهوم عام آن در نهایت، به معنای درهم آمیخته گی و یگانه شدن برای ما مطرح است. منظور ما از وحدت نیروهای دموکراتیک، ترقیخواه و چپ عمدتاً یگانه گی اندیشه یی، سیاسی و تشکیلاتی است، این وحدت میتواند به شکل عام آن یعنی وحدت کمی و کیفی و وسیع در قالب یک حزب واحد بزرگ سراسری، بر پایه برنامه واحد و تدوین شده تأمین گردد و هم میتواند به شکل خاص آن (وحدت محدود) در چار چوب سازمانها، نهادها، حلقات و نیروهای مختلف همسو و همگرا، در یک طیف وسیع و فراگیر تشکیلات سیاسی - اجتماعی با **پذیرش گرایشهای متفاوت** محقق گردد.

این وحدت با پیوندهای مستحکم تر، برنامه گسترده تر، جهت گیریهای مشخصتر و دامنه اختلافات محدود تر نسبت به هر اتحادی خواهد بود.

داشتن اصول تشکیلاتی بر پایه موازین دموکراتیک، اهداف و اصول مرامی علماً تنظیم شده در مطابقت با مرحله جاری تکامل انکشاف اقتصادی - اجتماعی و دورنمایی تاریخی جامعه افغانی و پیشبینی راهکارها و میکانیزمهای دست یابی به اهداف مطروحه و باورمندی به جهان شناختی علمی، از مشخصات این وحدت است.

با در نظر داشت شرایط ویژه ناشی از حضور نیروهای خارجی در کشور، و درک عینی وضعیت درونی جنبش، یکی از فکتورهای پیش زمینه وحدت اصولی، اتحاد عمل است. از این دید اتحاد عمل به این مفهوم است که احزاب، سازمانها، حلقات، گروه ها و گرایشهای مورد نظر و شخصیتهای انفرادی غیر متشکل، با حفظ موقعیت خود شان، بدون اینکه دلیلی برای انحلال

خود داشته باشند و یا ضرورتی داشته باشند که اساس نظریه ها و استقلال سازمانی خود را کنار بگذارند، به عنوان یک گرایش بزرگ دموکراتیک و ترقیخواه، بر پایه یی یک پلاتفورم مشترک سیاسی - تشکیلاتی، وارد یک سلسله از فعالیتهای مشترک در ارتباط به زنده گی زحمتکشان و جامعه افغانی گردند و در عین حال به یک سلسله مباحثات هدفمند و مرتبط به زنده گی زحمتکشان پردازند و به افتراق، اشتقاق و پراگنده گی در درون جنبش پایان دهند، زمینه های لازم و امکانات توافق را برای اساسگذاری یک حزب بزرگ، (تدویر کنگره اساسگذار حزب واحد) فراهم سازند. تا باشد شرایط مقتضی برای حضور یابی نیروهای متذکره در وضعیت سیاسی کشور بمیان آید.

بدون تردید میتوان گفت که، پس از سپری شدن یک دوره زمانی، و دستیابی به توافق های اصولی و مشخص، رفع اختلافهای فرعی و احساس همسویی رفیقانه، (باید در نظر داشت که عدم اختلاف و داشتن همسویی به هیچ وجه به مفهوم نفی تنوع تحلیل، استدلال و داوری نیست) آن موقع، زمانی خواهد رسید که وحدت اصولی را پی ریزی کنیم.

برای هر نیروی ترقیخواه واقعی و معتقد به جامعه شناختی علمی، تشکیلات یکی از اصول بنیادین و جهان شمول مبارزاتی است. اساساً ترقیخواهی و تحول طلبی بدون تشکیلات نمیتواند کارآیی و بازتاب عینی داشته باشد. اما اینکه چه تشکلی و چگونه تشکیلاتی را باید ساخت تابع ذهن، اراده و موضعگیری چند حلقه، گروه و یا چند فرد و یا فلان رهبر دیروز و امروز نیست، این مسأله بر میگردد به شرایط عینی و ذهنی هر کشور و ضرورتهای عینی و تاریخی هر جنبش، یا به بیان دیگر **محتویات یک تشکیلات دموکراتیک و ترقیخواه واقعی را ضرورتهای مبارزاتی برآمده از مختصات سیاسی - اقتصادی و اجتماعی آن جامعه تعیین می نماید** که، این نیروها در بطن آن قرار دارند و به تحلیل جامع آن مبادرت میورزند.

به پندار ما، وحدت و یا "اتحاد" نمیتواند صرفاً بر پایه های تعلقات سیاسی، سازمانی، تشکیلاتی و جناحی گذشته و یا وفاداری به رهبران و یا اعتماد متقابل یا داشتن سلیقه های همگون بنا گشته و پایدار بماند، باید توجه نمود که "وحدت و اتحاد صرفاً برای وحدت نیست، بلکه ابزار است برای پیشبرد و تحقق اهداف دیگر".

ساختار سازی، برای تأمین وحدت امر ضروری است ولی کافی نمی باشد، هر ساختار هدف و پروژه یی را دنبال میکند و در وجود آنها است که معنی پیدا میکند برای هر وحدت در گام نخست و جود ساختار و هدف، لازم است و هر ساختار باید سیاست روشن را برای هدف

و تحقق وظایف خود ارایه کنند و به سوالهای مانند وحدت باکی؟ برای چی؟ و به پایه کدام محور؟ پاسخهای روشن و شفاف ارایه بدارند.

به پندار ما " ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان"، زمینه است که باید، شرایط ذهنی برپایی یک نهاد بزرگ تشکیلاتی متعلق به زحمتکشان را فراهم سازد. این ائتلاف با یک برنامه مشخص، مباحثه سازنده و هدفمند را جهت همسو سازی دیدگاه ها و اهداف سیاسی احزاب، سازمانها، حلقات و مبارزان، راه اندازد.

عمده ترین هدف ائتلاف، فراهم نمودن زمینه های لازم عینی و همسویی فکری برای بحث و تبادل نظر پیرامون تکوین اصول و خطوط یک برنامه حداقل اندیشه یی، سیاسی - سازمانی برای جنبش دموکراتیک و مترقی جامعه افغانی است. آنچه روشن است اینکه تأمین وحدت کامل نیروهای دموکراتیک و مترقی در یک نهاد تشکیلاتی واحد و پایدار، کار دشوار، پیچیده و یک مبارزه طولانیست و نباید انتظار مؤفقت زود هنگام را داشت.

هیچ کس نمیتواند ادعای آنرا نماید که به تنهایی سایه افتراق، جدایی، پراکنده گی و انقطاع طولانی و اختلافات را از فراز جنبش دموکراتیک و ترقیخواهانه کشور، در یک نشست و یا با اساسگذاری " ائتلاف " میتوان دور ساخت، ولی با ارایه مواضع شفاف، ابتکار عمل و رفع خود محوری و کنار گذاشتن اختلافهای فرعی، آهنگ روند را که آغاز گردیده است با انعطاف پذیری اصولی، به همت همه ترقیخواهان و دموکراتهای واقعی، میتوان تشدید بخشید.

جبهه های سیاسی:

در رابطه به اتحادها، بلوکها و جبهه های سیاسی، باید گفت که؛ هیچ جنبش اجتماعی بی نیاز از جبهه متشکل از نیروهای شامل در وضعیت سیاسی نیست و هیچ جبهه یی بدون توافق بر سر عام ترین اصول مورد تفاهم در مرحله گذار جنبش تشکیل نمی شود، خواستههای مرحله یی (مقطعی و تاکتیکی) هر جبهه را واقعیات روز مره و مرحله یی که جنبش در آن قرار دارد تعیین میکند و در کوتاه ترین شعارها بیان میشود، هم تجمع نیرو های ترقیخواه، دموکراتیک و تحول طلب و هم منزوی ساختن نیروهای بنیاد گرا ارتجاعی و مدافعین آنها در گرو همین اصل است.

تجربه سایر جوامع می آموزاند که، اتحاد نیروهای دموکراتیک و ترقیخواه میتواند در اشکال و ابعاد مختلف طرح و به کار گرفته شود، این اتحاد میتواند بر محور همکاری و همگامی حول مسایل فعالیتهای مبارزاتی عام ملی، مانند برقراری صلح پایدار، تأمین و تحکیم آزادی، استقلال، حاکمیت ملی، تأمین دموکراسی و دفاع و حفظ تمامیت ارضی کشور باشد و یا اتحاد و ائتلافی باشد استراتژیک، حول مسایل مربوط به استقرار یک نظام دموکراتیک و ایجاد

"یک دولت واقعاً دموکراتیک، مستقل، یکپارچه و دارای حاکمیت ملی، که ممثل اراده مردم افغانستان و ضامن منافع آنها باشد و بتواند کشور را از بحران عمومی در حال گسترش بیرون کشد، صلح پایدار، امنیت، ثبات، آزادی و استقلال را تأمین و تحکیم بخشد و از تمامیت ارضی کشور دفاع و حراست نماید و جامعه افغانی را به سوی توسعه، انکشاف، ترقی و بهشد زنده گی زحمتکشسان سوق دهد."

از این دید، موضوع ائتلافها، اتحادها، بلوکها و جبهات سیاسی با احزاب، نهادها و نیروهای ملی، دموکراتیک، مترقی و تحول طلب نی تنها اصولی و تاریخی انگاشته میشود، بلکه در مسیر مبارزات دموکراتیک عدالتخواهانه، خود یک وظیفه ملی و وطنی به شمار می آید.

ولی در مورد تکوین جبهه بزرگ سیاسی با نیروهای دگراندیش و احزاب مخالف و نیروهای حاکم در دولت و "نظام جهادی- مافیایی" کنونی باید گفت:

در وضعیت موجود که هنوز نیروهای دموکراتیک واقعی، ترقیخواه، تحول طلب و صلحجوی افغانی، در پراکنده گی و تفرق قرار دارند و به یک نیروی متشکل و منسجم سیاسی - اجتماعی تبدیل نگردیده و نتوانسته اند به منزلت یک نیروی واحد و سازمان در آمیخته و متشکل، بالفعل در وضعیت جاری سیاسی کشور حضور یابند، مطرح نمودن **شعار تکوین جبهه ای بزرگ سیاسی با احزاب دگراندیش و مخالف** به جهت ورود در **بیانسی قدرت**، فاقد بار مثبت سیاسی به نفع جنبش دموکراتیک و ترقیخواهانه افغانستان بوده، پیش از وقت پنداشته میشود.

همکاری ساختاری با احزاب، نهادها، جبهه ها و جریانهای که نظام فکری شان غیر دموکراتیک و ارتجاعی است و در پی حفظ، تداوم و اشاعه اندیشه های واپسگرایانه اند، یعنی با نیروهای که سرکوب دموکراسی، نقض حقوق بشر، پا گذاشتن بر آزادی انسان، تداوم وضع کنونی و حفظ حاکمیت فرماندهان تنظیمهای جهادی، مافیایی مواد مخدر، انجوها و بیروکراتهای فاسد و وابسته را در کار نامه های خود دارند اشتباه محض به شمار میرود.